

## نا استوار قلمداد شدن روایات فضل بن شاذان از امام رضا علیه السلام

دکتر مهدی بیات مختاری\*

### چکیده:

نگاشته‌های شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق)، بویژه من لایحضره الفقیه، علل الشرایع و عین الاخبار الرضا علیه السلام به فزونی حاوی نقل فضل بن شاذان نیشابوری (م ۲۶۰ ق) از امام رضا علیه السلام (م ۲۰۳ ق) است. از سده‌های گذشته تاکنون، پژوهشیان علوم اسلامی، بویژه فقیهان با دل‌مشغولی وافر و اقبال گسترده، به آن اخبار استدلال جسته و در بسیاری از ابواب فقهی، دستمایه اجتهاد خویش قرار داده‌اند. در سیصد و پنجاه حدیث وسائل الشیعه، از منابع بنیادین استنباط و اجتهاد، نقل ابن شاذان از آن حضرت به قلم آمده است. حدیث پژوه معاصر محمد باقر بهبودی با استناد به رجال کثی و طوسی فضل را متولد پس از شهادت آن حضرت معرفی کرده و از این رهگذر آن روایات را فاقد اعتبار، قلمداد نموده است. نویسنده این مقاله با کند و کاو در آن دو کتاب رجالی و لحاظ کردن پاره‌ای قراین تاریخی و بررسی برخی از اساتید و شاگردان فضل به رهیافتی متقابل رسیده و وی را متولد حدود سال یکصد و هشتاد هجری و پیش‌تر از آن می‌داند که در نتیجه می‌تواند از آن حضرت به روایت بپردازد.

کلید واژه‌ها: امام رضا علیه السلام، فضل بن شاذان، بهبودی، رجال الطوسی.

### درآمد

حدیث‌شناس معاصر محمد باقر بهبودی در عنوان مسائل فضل بن شاذان فی علل الشرایع و الاحکام و رساله الامام ابی الحسن الرضا علیه السلام الی المامون در کتاب معرفة الحدیث<sup>۱</sup>، بر این رهیافت پای فشرده که ابن شاذان حدیثی را بی‌واسطه از امام رضا علیه السلام نقل نکرده و جزو صحابیان ایشان محسوب نمی‌گردد، و از این رهگذر علل الشرایع و الاحکام و همین‌گونه ما کتبه الرضا علیه السلام للمامون فی محض الاسلام و... که از سوی فضل از امام رضا علیه السلام نقل شده<sup>۲</sup>، فاقد صحت و استواری است. فضل سالیانی پس از امام رضا علیه السلام متولد شده و طوسی وی را تنها در عداد صحابیان امام هادی و عسکری علیه السلام بر شمرده است<sup>۳</sup>. وی برهه

\* . استادیار دانشگاه سیستان و بلوچستان.

۱. معرفة الحدیث، ص ۲۷۰، ش ۱۴ و ص ۲۷۲، ش ۱۵.

۲. صیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، باب ۳۳، ص ۱۰۶ و باب ۳۵، ص ۱۲۹؛ علل الشرایع، ج ۱، باب ۱۸۲، ص ۲۵۱.

۳. رجال الطوسی، ش ۵۷۳۲، ۵۸۸۳.

پایانی عمر اساتید خویش، صفوان بن یحیی، ابن ابی عمیر، ابن فضال و... را درک کرده است؛ زیرا نوشته شده که به سن بلوغ نرسیده بود که در قطیعه الربیع بغداد در نزد اسماعیل بن عبّاد، یکی از مقریان، به آموختن قرآن پرداخت و ابن فضال در آن هنگام، کهنسالی خویش را سپری می‌کرد.<sup>۴</sup>

نویسنده این سطور اقبال به این دستاورد را شتابزده و آن را از قرائت‌های ویژه و دیرپاب تلقی کرده و شاکله آن را بر اصول پژوهش استوار نمی‌داند و با توجه به اهمیت موضوع و قابلیت آن برای تدقیق بیشتر، با کند و کاوهای روایی، رجالی و تاریخی و تکیه بر پاره‌ای قراین، به دیدگاه متفاوت رسیده و از این رهگذر به هشت موضوع با صیغه ایجاز و به گونه روشمند خواهد پرداخت: ۱. ناهمگونی نقل‌های فضل از امام رضا علیه السلام و چرایی آن؛ ۲. دستاویز قرار گرفتن *رجال الطوسی*؛ ۳. اساتید فضل تعیین کننده طبقه وی؛ ۴. طبقه برخی از راویان ابن شاذان؛ ۵. تأمل در پاره‌ای قراین تاریخی و رجالی؛ ۶. کند و کاو در گزارش کتبی و نجاشی؛ ۷. تعدد طرق مشایخ عظام صدوق، طوسی و نجاشی به حدیث اللعلل؛ ۸. استواری و صحت سند حدیث اللعلل در منظر فقیهان.

### ناهمگونی نقل‌های فضل از امام رضا - علیه السلام - و چرایی آن

راویان واقع در اسناد روایات، به سه گروه تقسیم می‌شوند: پاره‌ای همیشه به نقل بی‌واسطه از معصوم پرداخته‌اند و عده‌ای نقلشان انحصار در ویژگی وساطت دارد و گروهی روایات بی‌واسطه و باواسطه از پیامبر صلی الله علیه و آله و امام علیه السلام دارند.<sup>۵</sup> اخبار ابن شاذان از امام رضا علیه السلام متفاوت، و در عین حال از ویژگی طبیعی و همسنگ همتایان خویش از سایر روات برخوردار است. روایات وی از آن حضرت به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف: روایات بی‌واسطه: نقل مستقیم فضل از امام رضا علیه السلام منحصر به احادیث گسترده اللعلل یا نامه آن حضرت به مأمون - که هر یک خود کتابی تلقی می‌گردند و بی‌استثنا همه فقه‌شناسان آن دو را مدرک استنباط‌های خود اتخاذ کرده‌اند - نیست. وی احادیث بسیار دیگری را نیز در زمینه توحید، انبیاء، امامت، احکام و ... از آن حضرت گزارش کرده است.<sup>۶</sup>

ب: نقل با واسطه از امام رضا علیه السلام: در برخی از موارد ابن شاذان با واسطه صفوان بن یحیی، به نقل از امام رضا علیه السلام پرداخته<sup>۷</sup> و گاهی اتفاق افتاده که با دو واسطه نقل کرده است.<sup>۸</sup> تنوع اخبار وی از امام علیه السلام به تمامت امری طبیعی و برخوردار از نمونه‌های فراوان در بین راویان حدیث و برای بسیاری تقریباً واقعیت یافته است. ابن ابی عمیر، از مشایخ فضل، با این که از صحبایان امام صادق علیه السلام به شمار آمده،<sup>۹</sup> در برخی

۴. اخبار معرفة الرجال، ش ۹۹۳؛ رجال النجاشی، ش ۷۲.

۵. تلخیص المقال، ج ۱، ص ۱۹۴.

۶. من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۳۹۹؛ ح ۵۹۱۵؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۱۸۷، ج ۲، ص ۲۵، ۱۹، ۲۶، ۱۰۶؛ الخصال، ص ۱۵۸؛ التوحید، ص ۲۶۹، ش ۱۲۷.

۷. الکافی، ج ۱، ص ۳۶، ج ۳، ص ۳۲۷، ج ۴.

۸. همان، ج ۳، ص ۳۲، ج ۱، ص ۱۴۳، ج ۹.

۹. کتاب الرجال، ص ۱۵۹، ش ۱۲۷۲.

اوقات با دو یا سه واسطه از آن حضرت نقل می‌کند. حماد بن عیسی از اصحاب امام صادق علیه السلام - که از اساتید ابن شاذان تلقی می‌گردد - نیز برخوردار از این ویژگی است.<sup>۱۰</sup> بی‌تردید، امکان‌پذیر نیست که صحابیان ائمه علیهم السلام دائم الحضور در نزد آنان باشند. از این رهگذر اتفاق می‌افتد که امام علیه السلام در جلسه‌ای القای کلام دارند که در آن برهه راوی حاضر نیست و در نتیجه، وی به ضرورت، آن روایات را با واسطه نقل می‌کند. علی بن ابراهیم قمی از هارون بن مسلم و کلینی از عبدالله بن جعفر حمیری و سعد بن عبدالله اشعری گاهی با واسطه و گاهی مستقیم نقل می‌کنند.<sup>۱۱</sup> در تعلیل و تبیین ناهمسانی نقل روایات به چند جهت می‌توان اشاره کرد:

الف. امکان ملاقات بین راوی و مروی عنه همیشه وجود ندارد. گاهی فرصتی کوتاه همانند حج اتفاق می‌افتد و برخی احادیث را از وی دریافت کرده و در نتیجه بقیه اخبار او را با واسطه، روایت می‌کند. ب. گاهی راوی از استادی که سپس دستخوش حادثه مرگ می‌گردد، تلقی حدیث می‌کند، آن گاه برخی را که در حافظه‌اش باقی مانده، گزارش مستقیم و پاره‌ای را که فراموش کرده، با واسطه گزارش می‌کند؛ ج. برخی اوقات شاگرد تعدادی از احادیث را تلقی و به عللی استاد را پس از آن نمی‌بیند و به ضرورت، اخبار باقی مانده را به وسیله یکی از روایان با سابقه که قبلاً با استاد، تماس بیشتری داشته، دریافت می‌کند. ابن قولویه مؤلف *کامل الزیارات* تنها چهار حدیث را بی‌واسطه از سعد بن عبدالله اشعری دریافت کرد و بقیه را با واسطه پدر یا برادرش به نقل از او می‌پردازد.<sup>۱۲</sup> د. گاهی راوی در برهه‌ای از زمان معین که استاد کتاب مشخصی را تدریس و القا می‌کند، حضور ندارد. وی روایات و کتاب‌های پیشین را - که بی‌واسطه از استاد تلقی کرده - به گونه مباشر و آن کتاب معین را با واسطه نقل می‌کند.

### دستاویز قرار گرفتن رجال الطوسی

شیخ طوسی همان گونه که آقای بهبودی به آن استناد جسته، فضل بن شاذان نیشابوری را تنها در عداد صحابیان امام هادی و عسکری علیهم السلام برشمرده<sup>۱۳</sup> که مفهوم گفتار وی و نه نص و تصریحش، این است که فضل امام رضا علیه السلام را درک نکرده و در زمره صحابیان ایشان به شمار نمی‌آید. از طرفی در رجال وی فضل بن سنان نیشابوری در زمره وکیلان امام رضا علیه السلام به حساب آمده<sup>۱۴</sup> و از همین رهگذر به استناد گفتار طوسی در تمامی تصنیفات رجالی، وی در زمره روایان امام رضا علیه السلام نامبردار شده است.<sup>۱۵</sup> نویسنده از تجزیه و تحلیل روایی و رجالی حدس می‌زند که مراد از فضل بن سنان نیشابوری، همان فضل بن شاذان

۱۰. *مشایخ الثقات*، ص ۷۶.

۱۱. *الکافی*، ج ۱، ص ۱۰۷، ح ۴، ص ۳۲۶، ح ۰۸، ص ۳۳۱، ح ۲۳ و ۲۵، ص ۳۵۷، ح ۱۰ و ۱۱ و ص ۳۶۸، ح ۶.

۱۲. *رجال النجاشی*، ص ۱۲۳، ش ۳۱۸.

۱۳. *رجال الطوسی*، ش ۵۷۳۲ و ۵۸۸۳.

۱۴. همان، ش ۵۳۸۵.

۱۵. خلاصه الأقبوال، ش ۲۶۸؛ کتاب الرجال، ش ۱۱۹۸؛ تنقیح المقال، ج ۳، ص ۸، ش ۹۳۷۱؛ *هاوی الأقبوال*، ج ۴، ص ۱۸۶؛ *منهج المقال*،

ص ۲۶۰؛ *مجمع الرجال*، ج ۵، ص ۲۱؛ *جامع الروایة*، ج ۲، ص ۱۵؛ *مستدرکات رجال علم الحدیث*، ج ۵، ص ۲۰۷، ش ۱۱۵۶۳؛ *مجمع الثقات*،

ص ۹۵، ش ۶۲۸؛ *مجمع رجال الحدیث*، ج ۱۲، ص ۳۰۸، ش ۹۳۷۲.

نیشابوری است که در آن شاذان به سنان تبدیل شده است. کلمات مقلوب و تغییرات با صیغه تبدیل شین به سین و به عکس در کتب رجالی و روایی، بویژه در کتب پیشینیان و متون کهن بسیار رخ داده است. این رویکرد و دستاورد میمون را چند قرینه می‌تواند تقویت و مورد تأکید قرار دهد.

الف. صدوق یک قرن پیش از طوسی علل الاحکام و سایر روایات فضل را از امام رضا علیه السلام به چند طریق و سند نقل کرده و در کتب خویش از جمله من لا یحضره الفقیه نگاشته که آن تألیفات بی‌تردید در اختیار طوسی بوده، ولی در عین حال وی را با صرف نظر از عنوان فضل بن سنان در عداد صحابیان امام رضا علیه السلام برنشمرد، از این رهگذر به دست می‌آید که مقصود از فضل بن سنان در رجال وی همان فضل بن شاذان است که دستخوش تصحیف گردیده است.

ب. از نگاشته‌های طوسی به دست می‌آید، که وی برخوردار از چندین طریق صحیح به تمامی روایات فضل بن شاذان از جمله العلل است.<sup>۱۶</sup> از این رو، این احتمال تقویت می‌شود که مقصود وی از فضل بن سنان که وی را جزو صحابیان امام رضا علیه السلام برشمرد، همان فضل بن شاذان باشد.

ج. با توجه به این که فضل بن سنان نیشابوری - که به عنوان وکیل امام رضا علیه السلام از آن یاد شده - در سلسله اسناد هیچ روایتی قرار نگرفته و از سویی بعید است که وکیل در هیچ خبری نامی از وی نباشد، این نظر را تأیید می‌کند که مراد از وی، فضل بن شاذان نیشابوری است که در اسناد روایات فراوانی قرار گرفته است.

د. برخی از سرآمدان و رجال‌شناسان متأخر، همانند شیخ موسی زنجانی و رجالی ژرف‌اندیش شوشتری این احتمال را مدلل و برخوردار از قرینه دانسته و از آن استقبال کرده‌اند.<sup>۱۷</sup> از سویی یکی از محققان معاصر - که تحقیقات وی در دهه‌های پیش مورد استفاده گسترده شهید مرتضی مطهری در خدمات متقابل اسلام و ایران قرار گرفته - به نقل از طوسی، فضل بن شاذان نیشابوری را از اصحاب امام رضا علیه السلام برشمرد و از طرفی چون در کتاب رجال موجود و مطبوع از طوسی وی در عداد صحابه آن امام به حساب نیامده، از این رهگذر مشخص می‌شود که یا در نسخه ایشان در اصل، فضل بن شاذان ثبت شده و یا ایشان فضل بن سنان را فضل بن شاذان قرائت کرده و آن را صحیح دانسته است.<sup>۱۸</sup>

امام رضا علیه السلام هفده سال پیش از آن که به منطقه خراسان فراخوانده شوند، مسئولیت امامت را بر عهده داشته و در آن برهه فضل می‌توانسته به تلقی حدیث از آن حضرت پرداخته و به وکالت منصوب شده باشد. ملاقات و تلقی حدیث وی از امام رضا علیه السلام و نیابت از آن حضرت هم از رهگذر نیاز مردم منطقه، محتمل است پس از ورود آن حضرت به نیشابور - که به گفته برخی چهار روز در آن اقامت گزیدند<sup>۱۹</sup> - و یا در طی حدود دو سال حضور در خراسان رقم خورده باشد.

با صرف نظر از این که می‌توان فضل بن سنان را در رجال الطوسی همان فضل بن شاذان تلقی و قرائت کرد، بر این نکته پای می‌فشریم، این که شیخ طوسی وی را از صحابیان امام هادی و عسکری علیه السلام

۱۶. فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ش ۱۵۶۳ تهذیب الأحکام، ج ۱۰ (المشیخه)، ص ۸۶.

۱۷. قاموس الرجال، ج ۸، ص ۴۰۴، الجامع فی الرجال، ج ۲، ص ۵۶۳.

۱۸. روایان امام رضا علیه السلام در مسند النضا، ص ۳۳۱.

۱۹. تاریخ نیشابور، ص ۲۰۸.

برشمرده، حاوی نفی صحابیت وی در ارتباط با امام رضا و جواد علیهما السلام نیست: اولاً، روایات منقول صدوق - که دو طبقه از طوسی جلوتر و یک قرن پیش از وی می‌زیسته - صریح است که ابن شاذان از صحابیان امام رضا علیه السلام است و از انعقاد مفهوم مخالف و ظرفیت و قابلیت استدلال به کلام طوسی جلوگیری می‌کند. ثانیاً، بر فرض که فضل بن سنان در عبارت طوسی محرف فضل بن شاذان نباشد، از رهگذر این که گزارش‌های وی بر پژوهش و احصای فراگیر و تام، استوار نبوده و فصل الخطاب از بُعد جامعیت و مانعیت تلقی نمی‌گردند، عدم صحابیت فضل لازم می‌آید:

- الف. طوسی داود بن کثیر رقی را تنها از اصحاب امام صادق و کاظم علیهما السلام بر شمرده<sup>۲۰</sup>، با این که وی در معتبرترین کتب از امام باقر علیه السلام نیز به نقل پرداخته است<sup>۲۱</sup>.
- ب. طوسی، صفوان بن یحیی را تنها از صحابیان امام کاظم، رضا و جواد علیهم السلام بر شمرده است<sup>۲۲</sup>. در عین حال، وی از امام صادق علیه السلام نیز روایت نقل کرده است<sup>۲۳</sup>.
- ج. وی، جعفر بن عیسی بن عبید را تنها از صحابیان امام رضا علیه السلام بر شمرده<sup>۲۴</sup>، با این که وی از امام صادق و کاظم علیهما السلام نیز نقل نموده است<sup>۲۵</sup>.
- د. وی شاذان بن خلیل را از صحابیان امام جواد علیه السلام محسوب نموده<sup>۲۶</sup>، اما وی از امام کاظم علیه السلام نیز روایت نقل کرده است<sup>۲۷</sup>.

ه. طوسی در رجالش عبد الرحمن بن ابی نجران را تنها از صحابیان امام رضا و جواد علیهم السلام بر شمرده<sup>۲۸</sup>، اما وی راوی از امام کاظم علیه السلام نیز هست<sup>۲۹</sup>.

و. طوسی نصر بن مزاحم را تنها از صحابیان امام باقر علیه السلام برشمرده است<sup>۳۰</sup> که با توجه به قراین ذیل، بی‌تردید او جزو صحابیان امام باقر علیه السلام نیست. طوسی و نجاشی طریق خود را به کتب وی، محمد بن علی صیرفی مشهور به ابوسمینه ذکر نموده‌اند<sup>۳۱</sup> که وی معاصر احمد بن محمد بن عیسی (م ۲۸۰ ق) است. با نگرستن طبقات و میانگین عمر محدثان، چگونه ابوسمینه راوی از صحابیان امام باقر علیه السلام می‌تواند باشد؟ در طریق طوسی به نصر بن مزاحم، حمید (م ۳۱۰ ق) قرار گرفته، و او تنها با واسطه یونس بن علی عطار کتب نصر بن مزاحم را نقل کرده است<sup>۳۲</sup>. آیا متوفی سال ۳۱۰ با یک واسطه می‌تواند از صحابی امام باقر علیه السلام نقل کند؟ در طریق نجاشی به کتاب *الجمل* نصر بن مزاحم، احمد بن محمد بن سعید (م ۳۳۳ ق)

۲۰. رجال الطوسی، ش ۲۵۳۷ و ۵۰۰۳.

۲۱. کامل الزیارات، باب ۷۲، ح ۵.

۲۲. رجال الطوسی، ش ۵۰۳۸، ۵۳۱۱ و ۵۵۵۹.

۲۳. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۲۹۳، ح ۴۰۵۲؛ تهذیب الأحکام، ج ۲، ص ۶۸ ح ۲۴۶.

۲۴. رجال الطوسی، ش ۵۲۳۷.

۲۵. معجم رجال الحدیث، ج ۵، ص ۵۷، ش ۲۲۲۳.

۲۶. رجال الطوسی، ش ۵۵۵۸.

۲۷. الکافی، ج ۸، ح ۱۳۸؛ معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۹، ش ۵۶۷۸.

۲۸. رجال الطوسی، ش ۵۵۶۷ و ۵۳۲۳.

۲۹. من لایحضره الفقیه، ج ۱، ص ۱۰۸، ح ۲۲۳.

۳۰. رجال الطوسی، ش ۱۶۳۳.

۳۱. رجال النجاشی، ش ۱۱۳۸؛ فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش ۷۷۳.

۳۲. فهرست کتب الشیعة و اصولهم، ش ۷۷۳.

قرار دارد که تنها با واسطه یحیی بن زکریا بن شیبان کتاب وی را روایت کرده است.<sup>۳۳</sup> آیا متصور است متوفی در آن سال با یک واسطه از صحابی امام باقر<sup>علیه السلام</sup> نقل کند؟ و تقویت کننده خطای طوسی این است که نصر بن مزاحم در سال ۲۱۲ و دوران ولایت امام جواد<sup>علیه السلام</sup> فوت نموده و منابع تاریخی حضور وی را در کوفه در زمان حرکت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> به سوی ایران تأیید نموده‌اند.<sup>۳۴</sup> احتمال داده می‌شود که طوسی روایت نصر بن مزاحم را از ابو جعفر دیده و او را امام باقر<sup>علیه السلام</sup> پنداشته که با فرض وجود چنان روایتی و صحت آن، ابو جعفر دوم، یعنی امام جواد<sup>علیه السلام</sup> مراد است.<sup>۳۵</sup>

### اساتید فضل تعیین کننده طبقه وی

اگر اساتید فضل در سال‌های نزدیک به شهادت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> در گذشته باشند، بی‌تردید، روایت وی را از امام رضا<sup>علیه السلام</sup> موجه و برخوردار از صحت می‌سازند. تأمل ورزیدن در دو نکته ما را در دریافت حقیقت معاضدت می‌کنند: برخی از منابع رجالی، برهه تحمل حدیث را بیست سالگی و حداقل بلوغ راوی در نظر گرفته‌اند و از سوی دیگر دریافت حدیث از استاد برخوردار از ویژگی فرایند امتدادی است. به دیگر سخن، ممکن است تلقی روایت در بخش اول یا دوم یا پایان حیات علمی هر کدام از آن دو اتفاق افتاده باشد.

الف. هشام بن حکم: این که هشام بن حکم در عداد اساتید ابن شاذان به شمار آمده، از رهگذر روایتی است که طوسی نقل نموده است.<sup>۳۶</sup> فضل وی را متوفی سال ۱۷۹ نگاشته و نجاشی بر آن است که وی به سال ۱۹۹ در بغداد فوت کرده است. علامه رجالی، شوشتری تاریخ‌گذاری فضل را از جهت اعرافیت وی و این که هشام بن حکم پیش از هارون (م ۱۹۳ق) از رهگذر هراس از دستگیری وی در گذشته است، اصح از تاریخ‌نگاری نجاشی قلمداد کرده است.<sup>۳۷</sup> در صورت استواری نقل نجاشی، خللی در اثبات مقصود ما نیز ایجاد نمی‌گردد.

ب. شیخ طوسی: حداقل دو بار با واسطه فضل بن شاذان از ابو عتبة اسماعیل بن عیاش بن سلیم عنسی حمصی - که از محدثان نامبردار مکتب خلافت در شام بوده - به نقل خبر اقدام کرده است.<sup>۳۸</sup> محتمل است که فضل در شامات از وی تلقی حدیث کرده و یا در طی دو مسافرتی که از شام به کوفه و بغداد داشته، آن امر تحقق یافته است. وی به سال ۱۰۸ هجری متولد و در سال ۱۸۱ - که بیشتر از هفتاد سال داشته - در گذشته است.<sup>۳۹</sup>

ج. داوود بن کثیر رقی: طبق گزارش منابع و ماخذ حدیثی و رجالی داوود بن کثیر رقی از مشایخ

۳۳. رجال النجاشی، ش ۱۱۴۸.

۳۴. میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۵۳؛ ۹۰۴۶: الخرائج والجرائج، ج ۱، ص ۳۳۹.

۳۵. معجم رجال الحدیث، ج ۲۰، ص ۱۵۹.

۳۶. تهذیب الأحکام، ج ۹، ص ۲۲۶، ح ۳۶.

۳۷. اختیار معرفة الرجال، ش ۴۷۵؛ رجال النجاشی، ش ۱۱۶۴؛ لاموس الرجال، ج ۱۰، ص ۵۵۶.

۳۸. التهذیب، ص ۴۵۴ و ۳۷۰.

۳۹. تاریخ بغداد، ج ۶، ص ۳۲۱؛ ش ۳۳۷۶؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۹۸؛ ش ۳۷۴؛ تهذیب التهذیب، ج ۱، ص ۲۸۰؛ ش ۵۸۴؛ المرحم و التصدید،

ج ۲، ص ۱۹۱؛ سیر اعلام النبلاء، ج ۸، ص ۳۱۲؛ ش ۸۳.

حدیثی فضل به شمار می‌آید.<sup>۴۰</sup> به گفته نجاشی وی در سال ۲۰۳ با فاصله اندکی پس از شهادت امام رضا علیه السلام در گذشته است.<sup>۴۱</sup>

د. یونس بن عبد الرحمن: ابن شاذان حد اقل دو حدیث از یونس بن عبدالرحمن نقل کرده و از سوی وفات وی به سال ۲۰۸ اتفاق افتاده است.<sup>۴۲</sup>

ه. حماد بن عیسی: وی از اصحاب اجماع، و اعظام مفاخر شیعه و جزو صحابیان امام صادق، کاظم و رضا علیه السلام به شمار می‌آید. بررسی و محاسبه آماری، حاوی این است که نقل فضل از وی در *الکافی* حد اقل نود حدیث است. و از سوی وی به سال ۲۰۹ فوت کرده است.<sup>۴۳</sup> طبق گزارش کلینی در حدود ده مورد فضل به گزارش یک خبر از حماد بن عیسی و استاد دیگرش ابن ابی عمیر اقدام کرده است.<sup>۴۴</sup>

و. صفوان بن یحیی: کشتی آن هنگام که نام هیجده نفر از اساتید ابن شاذان را بر می‌شمارد، به صفوان بن یحیی نیز اشاره می‌کند.<sup>۴۵</sup> طبق پژوهش آماری، نقل فضل از وی حد اقل در *الکافی* ۲۰۸، *تهذیب الاحکام* ۸۴ و *الاستبصار* ۲۸ روایت است. در کتب حدیثی دیگر نیز، نقل فضل از وی اتفاق افتاده است.<sup>۴۶</sup> به علاوه، در نگاشته‌های خود ابن شاذان گزارش از او به فراوانی به چشم می‌خورد.<sup>۴۷</sup> این شخصیت و الامقام - که از اصحاب اجماع، مشایخ ثقات و اعظام صحابیان ائمه علیهم السلام به شمار می‌آید، در سال ۲۱۰ برای دیدار امام جواد علیه السلام به مدینه رفت و در همان جا وفات کرد و دفن شد.<sup>۴۸</sup> تلقی یک خبر از سوی فضل از دو استادش صفوان بن یحیی و ابن ابی عمیر بالغ بر شصت مورد است.

ز. نصر بن مزاحم: وی در عداد اساتید ارجمند فضل جای گرفته و در منابع روایی حد اقل سه روایت از وی نقل کرده است. نصر بن مزاحم در سال ۲۱۲ فوت نموده است.<sup>۴۹</sup>

ح. محمد بن ابی عمیر: وی از اصحاب اجماع و مشایخ ثقات شمرده شده و تأثیر فوق العاده‌ای در شخصیت مستعد ابن شاذان و رشد همه جانبه وی داشته است. وی در ابتدا به همراه پدرش و پس از آن به تنهایی به حضور وی رفته و بیشترین دوران تحمّل و نقل حدیث را از او دارد. در *الکافی* حد اقل ۲۶۸ و در *تهذیب الاحکام* ۸۷ و در *الاستبصار* ۲۴ روایت فضل از ابن ابی عمیر گزارش شده است. بر این آمار باید ده‌ها خبر دیگر را که وی از ابن ابی عمیر نقل کرده، افزوده گردد.<sup>۵۰</sup> وی سال ۲۱۷ در گذشته است.<sup>۵۱</sup>

۴۰. بحار الأنوار، ج ۲۴، ص ۳۰۳؛ تأویل آیات الظاهرة، ص ۴۱؛ منهج المقال، ص ۱۹.

۴۱. رجال النجاشی، ش ۴۱۰.

۴۲. الکافی، ج ۳، ص ۳۳۹، ح ۶ و ۷، ص ۱۰، ح ۴؛ خلاصة الأوال، ش ۱۱۰۳.

۴۳. رجال النجاشی، ص ۱۴۲، ش ۴۷۰؛ اختیار معرفة الرجال، ش ۵۷۲؛ الإختصاص، ص ۲۰۵.

۴۴. الکافی، ج ۳، ص ۸۸، ح ۲؛ ص ۹۱، ح ۲، ص ۱۰۱، ح ۳ و ص ۱۰۵، ح ۱ و ...

۴۵. اختیار معرفة الرجال، ش ۱۰۲۹.

۴۶. الغيبة، ص ۴۱.

۴۷. مختصر البیات الرجعة، ح ۲ و ح ۸ و ح ۱۸.

۴۸. رجال النجاشی، ش ۵۲۴.

۴۹. الغيبة، ص ۱۸۵، ص ۳۴۱ و ص ۴۴۵؛ میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۲۵۲، ش ۹۰۴۶.

۵۰. مختصر البیات الرجعة، ج ۲، ص ۱۷، ۱۶، ۱۷، ۱۶، ۱۶، ۱۶۳، ۱۶۵، ۳۴۹.

۵۱. رجال النجاشی، ش ۸۸۷.

ابن شاذان، گرچه در حدود یک صد استاد از خاصه و عامه را درک کرده، اما بیشتر از ۹۵ درصد از اخبار را از سه استادش حماد بن عیسی (م ۲۰۹ ق)، صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و ابن ابی عمیر (م ۲۱۷) نقل کرده است. فضل متولد پس از سال ۲۰۳ چگونگی از مشایخ ثلاثه و سایر اساتید مذکور متوفی در آن سالیان، تلقی حدیث کرده است؟

### طبقه برخی از شاگردان و راویان ابن شاذان

اگر ما به منابعی دست یابیم که حاوی این نکته باشند که شاگردان فضل از صحابیان امام رضا، جواد، هادی و عسکری علیهم السلام به شمار می آیند، بی تردید، نقل و روایت وی را از امام رضا علیه السلام برخوردار از صحت و اعتبار می سازند.

۱. ابراهیم بن هاشم: طوسی چندین طریق به آثار ابن شاذان برای خویش بر شمرده، که در برخی از آنها ابراهیم بن هاشم از وی به نقل پرداخته است. به علاوه، نقل وی از فضل در کتاب *تهذیب الاحکام* رخ داده است.<sup>۵۲</sup> اگر سخن طوسی را فاقد اعتبار و خطا تلقی کنیم، حداقل باید پذیرفت که فضل در طبقه وی قرار می گیرد. وی از صحابیان و الا مقام امام رضا علیه السلام به شمار آمده که با آن حضرت ملاقات نیز داشته است.<sup>۵۳</sup>

ب. ابو عبدالله شاذانی: وی که نواده برادر فضل است، بسیار از وی تلقی روایت کرده و به نقل اخبار وی اقبال شایان نشان داده است.<sup>۵۴</sup> تأمل در دو نکته در وصول به نتیجه ما را کمک کار خواهد بود. به نظر می رسد فضل پس از شاذان بزرگ خاندان به حساب می آید و به علاوه، ابو عبدالله شاذانی از صحابه امام عسکری علیه السلام به شمار آمده است.<sup>۵۵</sup>

ج. عبدالله بن حمدویه بیهقی: وی ابن شاذان را ملاقات کرده و از حوزه حدیث و کلام وی بهره برده و به نقل پرداخته است.<sup>۵۶</sup> طوسی وی را در عداد صحابیان امام عسکری علیه السلام بر شمرده، و در نامه ای که امام علیه السلام به وی نوشته، نکاتی را برای تثبیت موقعیت ابراهیم بن عبده و کیل خویش در منطقه نیشابور و روشن ساختن شعاع حوزه فعالیت وی، گوشزد کرده است.<sup>۵۷</sup>

### کنکاش در پاره ای قراین تاریخی و رجالی

الف. شاذان از راویان امام کاظم علیه السلام با توجه به این که شاذان پدر فضل از صحابیان و راویان امام کاظم علیه السلام (م ۱۸۳ق) بوده<sup>۵۸</sup>، شاگرد و فرزندش حداقل یک طبقه متاخر از وی است و می تواند جزو صحابیان امام رضا علیه السلام به شمار آید.

۵۲. فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ش ۵۶۳: تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۶، ج ۱۹: ج ۱۰، ص ۳۷، ۵ (المشبخه).

۵۳. فهرست کتب الشیعه و اصولهم، ص ۱۱، ش ۶: رجال الطوسی، ش ۵۲۲۴.

۵۴. اختیار معرفه الرجال، ش ۳۰۳، ۳۵۷، ۴۰۸، ۶۵۶، ۷۷۳، ۹۸۷، ۱۰۵۶، ۱۰۵۸، ۱۱۰۵، ۱۱۰۶.

۵۵. اختیار معرفه الرجال، ش ۱۱۰۲۸: رجال الطوسی، ش ۵۸۹۵.

۵۶. اختیار معرفه الرجال، ش ۸۵۰، ۹۷۹.

۵۷. رجال الطوسی، ش ۵۸۶۰، ۵۸۲۳: اختیار معرفه الرجال، ش ۱۰۸۹.

۵۸. الکافی، ج ۸، ح ۱۳۸: معجم رجال الحدیث، ج ۱۰، ص ۹، ش ۵۶۷۸.



ب. احمد بن محمد بن عیسی معاصر فضل: احمد بن محمد بن عیسی اشعری از عالمان بزرگی است که فراوان از شاذان پدر فضل به نقل پرداخته است.<sup>۵۹</sup> روایات شاذان در کتب اربعه حدیثی بجز یک مورد - که توسط محمد بن جمهور نقل شده<sup>۶۰</sup> - همگی با واسطه احمد بن محمد بن عیسی گزارش شده است. وی از مجتهدان والامقام و محدثان ثقة مکتب امامیه است که ملاقات‌هایی مکرر با امام رضا<sup>ع</sup> داشته است.<sup>۶۱</sup> از جهت این که فضل با وی در یک طبقه و جزو شاگردان شاذان به شمار می‌آیند، و علاوه، سالیانی پس از فضل وی درگذشته است، از این رهگذر روایت فضل از امام رضا<sup>ع</sup> امری طبیعی و منطقی محسوب می‌گردد.

ج. دیدار با وکیل امام رضا<sup>ع</sup>: یکی از مشایخ حدیثی ابن شاذان - که از وی به تحمل حدیث پرداخته - عبدالعزیز بن مهتدی قمی از وکیلان ویژه امام رضا<sup>ع</sup> است. فضل وی را بارها ملاقات و به مردی والامقام، متدین و الگوی قمیان توصیف کرده است.<sup>۶۲</sup> از رهگذر این که با مرگ موکل عنوان وکالت فاقد مناسبت، ملاقات به احتمال قوی در دوران حیات امام رضا<sup>ع</sup> رخ داده است.

د. دانشوری نامدار در زمان عبدالله طاهر: عبدالله بن طاهر نخست از جانب مامون حکمران شهر رقه در شمال بغداد بود که پس از آن در سال ۲۱۳ به امیری خراسان منصوب شد. وی عملاً سال ۲۱۵ کار خویش را شروع و به دلایلی چند نیشابور را به عنوان پایتخت انتخاب و در آن اقامت گزید و به مدت هفده سال (۲۱۳-۲۳۰) حاکم رسمی خراسان بود.<sup>۶۳</sup> به گزارش کشتی وی ابن شاذان را پس از آن که از افکار و محتوای تألیفاتش اطلاع یافت، از نیشابور تبعید کرد.<sup>۶۴</sup> این رخداد احتمال داده می‌شود که در همان آغاز ورودش اتفاق افتاده باشد. فضل در آن زمان که محاکمه و تبعید می‌شود، باید چهره‌ای شناخته شده، بلند آوازه، و پیشوا باشد. چگونه می‌توان تصور کرد که فضل متولد سالیانی پس از شهادت امام رضا<sup>ع</sup> در عین حال یک دهه و حداکثر دو دهه پس از ایشان، مبدأ حرکت علمی و از عنوان مرجعیت برخوردار گردد.

ه. تحصیل و یا نقل پنجاه ساله از اصحاب اجماع: کشتی از سهل بن بحر فارسی نقل می‌کنند که در آخرین دیدارم با ابن شاذان وی اظهار داشت: من جانشین جمعی از بزرگانم که درگذشته‌اند. صفوان بن یحیی (م ۲۱۰ ق) و ابن ابی عمیر (م ۱۱۷ ق) و دیگر بزرگان امامیه [حماد بن عیسی (م ۲۰۹ ق)، بزندی (م ۲۲۱ ق)، ابن فضال (م ۲۲۱، ۲۲۴ ق) و ابن محبوب (م ۲۲۴ ق)] را درک کرده و به مدت پنجاه سال از آنان به تحمل حدیث [یا نقل] پرداخته‌ام.<sup>۶۵</sup> گوینده این سخن، گر چه فضل است، اما با توجه به وثاقت، استواری و حق‌مداری‌ای که از وی سراغ داریم، به هیچ وجه دستخوش خودستایی نشده

۵۹. الکافی، ج ۲، ص ۸۳ ح ۴؛ ج ۳، ص ۲۳، ح ۲، ص ۲۹، ح ۱ و ۳، ص ۴۵، ح ۱۲؛ ج ۴، ص ۲۴۱، ح ۱.

۶۰. همان، ج ۸، ص ۱۳۸.

۶۱. رجال النجاشی، ش ۱۹۸؛ رجال الطوسی، ش ۵۱۹۷؛ رجال البرقی، ص ۵۹؛ کتاب الرجال، ص ۳۴، ش ۱۳۱؛ خلاصه الأقبوال، ش ۶۷.

۶۲. اختصار معرفة الرجال، ش ۸۱۰، ۹۷۳ و ۹۷۹.

۶۳. تاریخ حکومت پاهریان از آغاز تا انجام، ص ۱۸۵.

۶۴. اختصار معرفة الرجال، ش ۱۰۲۳.

۶۵. همان، ش ۱۰۲۵.

و گزارشگر واقیّت تاریخ است. تلقی حدیث و یا نقل از آن مشایخ ثقات و اصحاب اجماع با آن مدت زمان، حاوی این است که وی متولد حدود سال ۱۸۰ و جزو معمرین بوده است.

و . کهن سالی در لحظه ارتحال: کشتی از ابو علی بیهقی شاگرد فضل - که بر جنازه وی نماز گزارده - نقل کرده که وی سال‌های پایانی عمر خویش را در بیهق از توابع نیشابور به سر می‌برد که خبر تهاجم خوارج به وی رسید. او که خود می‌دانست از اهداف اولیه آنان بی‌تردید دست یافتن به وی است، مخفیانه بیهق را رها و به طرف نیشابور حرکت کرد. این سفر وی را دستخوش رنج و بیماری جانکاهی ساخت که در نتیجه جان خویش را از رهگذر آن از دست داد.<sup>۶۶</sup> التزام به این که حرکت در مسافتی نزدیک حتی در حالت فرار برای انسان ۵۵ ساله و کمتر از آن، بخصوص برای انسان‌های پیشین، سبب مرگ آنان گردد، امری طبیعی تلقی نمی‌گردد. حس درونی و ارزیابی این گزارش تاریخی قرینه‌ای گویاست که ابن شاذان در این برهه پیرمردی کهن سال است که رنج سفر عامل مرگ شهادت گونه وی شده است.

ز. صحابی امام عسکری علیه السلام شاگرد با واسطه فضل: احمد بن ادریس قمی - که در طبقه هشتم محدثان قرار دارد - از صحابیان امام عسکری علیه السلام به شمار می‌آید. از طرفی وی از راویان و تلامیذ علی بن محمد بن قتیبه است.<sup>۶۷</sup> ابن قتیبه در طبقه پیش از وی و یا حد اقل هم طبقه اوست و با توجه به این که ابن قتیبه از شاگردان فضل بوده و در طبقه پس از وی قرار می‌گیرد، این دیدگاه که ابن شاذان جز روات و صحابه امام رضا علیه السلام باشد، تقویت می‌شود.

ح. صحابی امام هادی و عسکری علیه السلام گزارشگر تألیفات فضل: نجاشی برخی از عناوین ۱۸۰ کتاب ابن شاذان را از نگاشته یحیی بن زکریا گنجی نقل نموده است.<sup>۶۸</sup> وی از صحابیان امام هادی و عسکری علیه السلام بوده که در زمان حیات ایشان یا پس از آن، به تألیف کتابی پرداخته که اسامی مصنفین و کتب علمای شیعه را در آن ضبط نموده است.<sup>۶۹</sup> باید فضل در زمان آن دو معصوم در قلمرو جهان اسلام و مراکز شیمی، همانند بغداد، کوفه، مدینه، خراسان چهره‌ای بلند آوازه و کثیر التألیف باشد که صحابی ایشان اسامی تصنیفات وی را برشمرده باشد.

ط . نقل با سه واسطه از امام سجاد علیه السلام: در منابع روایی ما به احادیثی برخورد می‌کنیم که فضل واقع در طبقه هفتم محدثان، از امام سجاد علیه السلام، تنها با سه واسطه به نقل پرداخته است.<sup>۷۰</sup>

ی . نقل با دو واسطه از امام باقر علیه السلام: در برخی از موارد ابن شاذان تنها با دو واسطه از امام باقر علیه السلام به روایت اخبار روی آورده است.<sup>۷۱</sup>

۶۶. همان، ش ۱۰۲۳ و ۱۰۲۸.

۶۷. رجال الطوسی، ش ۵۸۳۱: بحار الأنوار، ج ۳۹، ص ۲۶.

۶۸. رجال النجاشی، ش ۸۲۰.

۶۹. رجال الطوسی، ش ۳۳۹۰: مصنفی المقال فی مصنفی علم الرجال، ص ۴۹۶: الدرر، ج ۴، ص ۲۱۱، ش ۱۰۵۱ و ص ۴۸۱، ش ۲۱۴۵.

۷۰. کافی، ج ۱، ص ۱۰۰، ج ۲ و ج ۲، ص ۱۰۷، ج ۳ و ج ۳، ص ۴۰۹، ج ۲ و ج ۲، ص ۱۱۸، ج ۲.

۷۱. کافی، ج ۱، ص ۴۱۳، ج ۳، ص ۳۳۰، ج ۲.

ک. گزارش از امام صادق علیه السلام با دو واسطه: طبق پژوهشی که نویسنده این سطور در کتب اربعه حدیثی شیعیه انجام داده، توسط فضل در حدود ۸۶۰ حدیث گزارش شده که بیشتر از ۹۵ درصد آنها با دو واسطه از امام صادق علیه السلام نقل شده‌اند، بدان معنا که وی با واسطه یکی از دو استادش ابن ابی عمیر یا صفوان بن یحیی، از معاویه بن عمار، هشام بن حکم، عبدالرحمن بن حجاج، هشام بن سالم، حفص بن بختری، جمیل بن دراج، رفاعه بن موسی، ربیع بن عبدالله، منصور بن حازم، عیص بن قاسم و ... که از صحابیان نامبردار امام صادق علیه السلام تلقی می‌گردند، به نقل پرداخته است. آیا ژرفکاوی و اندیشه ورزیدن در نقل وی از امام سجّاد، باقر و صادق علیه السلام، و تأمل در طبقه راوی و مروی عنه و تعداد واسطه‌ها، نقل وی را از امام رضا علیه السلام امری پذیرفتنی جلوه‌گر نمی‌سازد؟

### کند و کاو در گزارش رجال کشی و نجاشی

نویسنده *معرفة الحديث* بر آن است که فضل اواخر عمر حسن بن علی بن فضال (م ۲۲۱-۲۲۴ق) و سایر مشایخ خویش را درک کرده، از رهگذر این که نوشته شده به سن بلوغ نرسیده بود که در قطیعه الربیع بغداد در نزد یکی از مقریان به نام اسماعیل بن عبّاد به اموختن قرآن پرداخت و ابن فضال در آن برهه کهنسالی خویش را سپری می‌کرد. ایشان معتقد است کلام ذیل - که به وسیله کشی و نجاشی از ابن شاذان نقل شده - آن رهیافت را تأیید می‌کند:

قال الفضل بن شاذان: كنت في قطيعة الربيع في مسجد الربيع، أقرأ على مقرئ يقال له اسماحيل بن عبّاد، فرأيت قوماً يتناجون فقال احدهم: بالجبل رجل يقال له ابن فضال اهد من رأينا او سمعنا به، قال: فأنه ليخرج الى الصحراء فيسجد السجدة... قال ابو عمّاد الفضل بن شاذان: فظننت أن هذا رجل، كان في الزمان الأوّل فيينا انا بعد ذلك بسنين (بیسر) قاعد في قطيعة الربيع مع ابي، اذ جاء شيخ حلو الوجه حسن الشائل... فسلم على ابي فقام اليه ابي فرحّب به وبجّله، فلما آن مضى يرید ابن ابي عمير قلت: من هذا الشيخ فقال: هذا الحسن بن علي بن فضال، قلت: هذا ذلك العابد المفاضل، قال: هو ذاك، قلت: ليس هو ذاك، ذاك بالجبل، قال: هو ذاك. كان يكون بالجبل، قال: ما اقلّ (اغفل) هقلک من غلام فاخرته بها سمعت من القوم فيه، قال: هو ذاك. فكان بعد ذلك يختلف الي ابي، ثم خرجت اليه بعد الى الكوفة، فسمعت منه كتاب ابن بكير وغيره من الاحاديث، وكان يحمل كتابه ويحیی الى حجرتي (الحجرة) فيقرأه عليّ. فلما حجّ ختن طاهر بن الحسين وعظّمه الناس لقدرة وماله ومكانه من السلطان، وقد كان وصف له، فلم يصر اليه الحسن، فارسل اليه احبّ أن يصير الي فأنه لا يمکنني المصير اليک، فابی، وكلمه اصحابنا في ذلك، فقال: مالي ولطاهر (و ال طاهر) لا اقرهم، ليس بيني وبينهم عمل، فعلمت بعد هذا (بعدها) آن مجيئه الي بيتي كان لدينه (لم يكن الا لجوده النية)<sup>۳۲</sup>.

الف. به فراز کنت اقرء علی مقرء یقال له اسماعیل بن عبّاد - که گفته فضل است - نمی‌توان استدلال جست که وی در کهنسالی ابن فضال، هنوز نوجوانی در مرحله آموزش قرآن از اسماعیل بن عبّاد بوده است. کلمه قرائت از قابلیت و ظرفیتی برخوردار است که در صحت مفاد آن، تفاوتی بین آموختن قرآن، حدیث یا هر متن دیگری است. در پایان همین متن قرینه‌ای است که آن برداشت را صد در صد نفی می‌کند. فضل در ادامه می‌گوید:

ثم خرجت الیه بعد الی الکوفة، فسمعت منه کتاب ابن بکیر و غیره من الاحادیث، و کان یجمل کتابه و یمیی الی حجرته فیکرأه هلّی.

و ابن فضال کتب حدیثی، اعمّ از کتب ابن بکیر و دیگران راه، به حجره من می‌آورد و بر من می‌خواند. وی به عنوان راوی متن مذکور، واژه قرائت را در باره تحمل حدیث به کار برده است.

ب. دریافت حدیث برخوردار از نه اسلوب متفاوت است که قرائت (عرض) یک قسم آن است؛ بدان معنا که شاگرد به خواندن خبر از کتاب و یا حفظ پردازد و استاد تصحیح کننده کاستی‌های وی باشد. به خلاف شیوه سماع که شیخ از کتاب و یا از حفظ، املا و انشا و شاگرد استماع و یادداشت می‌نماید.<sup>۷۳</sup> جمله کنت اقرء علی مقرء یقال له اسماعیل بن عبّاد می‌تواند اشاره به این روش تعلّم حدیث باشد.

ج. گزارش فوق الذکر فضل حاوی و حاکی از یک رخداد متصل به هم نیست. عبارت بدان معنا نیست که تحصیل ابن شاذان در نزد اسماعیل بن عبّاد و فراگیری وی از بزرگانی چون ابن فضال در یک زمان به هم پیوسته و بی‌گسست انجام پذیرفته، تا نتیجه‌گیری شود که فضل در دوران نوجوانی خویش، ابن فضال را که دوران کهنسالی خود را سپری می‌کرده، درک کرده است. چون عبارت کشتی فبینا انا بعد ذلک بسنین، فاصله زمانی چندین ساله را بین آن دو رخداد تبیین می‌کند. ترجمه عبارت این می‌شود: من خیال می‌کردم این شخص که در باره زهد و پرهیزگاری وی سخن می‌گویند (ابن فضال) در گذشته زندگی می‌کرده که من بعد از سال‌ها بار دیگر گذرم به همان مسجد در قطیعه الربیع افتاد و با پدرم در آن جا نشسته بودیم که ابن فضال آمد.<sup>۷۴</sup>

د. ایشان با تکیه بر جمله اذ جاء شیخ حلوا الوجه نتیجه‌گیری کرده‌اند که فضل نوجوان، دوران سالخوردگی ابن فضال را درک کرده است. یکی از معانی واژه شیخ، پیر و سالخورده است، اما برای آن واژه معانی دیگری چون ذوالمکانه من علم او فضل او ریاسة ذکر کرده‌اند.<sup>۷۵</sup> تأمل در تعبیر علامه حلّی در ارتباط با ابن شاذان به هذا الشیخ اجلّ من آن ینمض علیه<sup>۷۶</sup> و تعبیر پیروان مکتب اهل بیت در ارتباط با محمّد بن حسن طوسی به شیخ الطائفة ما را به فهم آن عبارت نزدیک می‌کند. بین معنای سالخوردگی و معانی دیگر شیخ به اصطلاح اهل منطق رابطه عموم و خصوص من وجه وجود دارد.

۷۳. درایة الحدیث، ص ۱۳۲؛ اصول علم الرجال بین النظریة و التطبيق، ص ۲۲۳.

۷۴. اختیار معرفة الرجال، ش ۹۹۳.

۷۵. المعجم الوسیط، ص ۵۰۲.

۷۶. خلاصة الاقوال، ص ۲۲۹، ش ۷۶۹.

۵. بر فرض که واژه شیخ به معنای سالخورده باشد، اما حاوی آن دستاورد نیست. تاریخ درگذشت ابن فضال فی الجمله<sup>۷۶</sup> معلوم است، اما هنگامه تولد و مدت عمر وی مشخص نیست. شاید این برخورد قبل از شهادت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> و یا یک و دو سال پس از آن اتفاق افتاده که در آن برهه ابن فضال نسبت به ابن شاذان کهنسال بوده است.

و. از رهگذر تعبیر شاذان - که در پی انکار فضل در باره این همانی و تطبیق ابن فضال گفت: ما اقل عقلک من غلام - نمی‌توان نتیجه‌گیری کرد که واژه غلام متضمن بر دوران عدم بلوغ وی است. نویسندگان کتب لغت، در ذیل واژه غلام، غلومه، غلامیه و غلمه و غلیم آن را به برهه جوانی و فعال شدن نیروی شهوی تفسیر نموده‌اند. به علاوه، در برخی موارد کاربرد واژه غلام در اساس اشاره به جنسیت مخاطب و پسر بودن او دارد و مرتبه سنی او مد نظر نیست. وانگهی کاربرد این گونه تعبیرات نسبت به فرزند، رایج و مرسوم است. پدران گاهی به فرزندان خود که ممکن است چند دهه از سن آنان گذشته و صاحب فرزند هم باشند، به هنگامه پیدایش واگرایی و اختلاف در دید و کردار می‌گویند: تو هنوز هم بی‌تجربه و بچه هستی. آیا از این جمله کنایی می‌توان کودکی او را نتیجه گرفت؟ و آخر این که جزو مسلمات تاریخی است که امام حسین<sup>علیه السلام</sup> در مورد فرزندش علی بن الحسین<sup>علیه السلام</sup> در روز عاشورا فرمود:

اللهم اشهد فقد برز اليهم غلامٌ اشبه الناس خلقاً وخلقاً و منطقاً برسولك.

و وی نیز پس از معرفی خویش با گفتن جمله حماسی:

اضربکم بالسيف حتی یبثني ضرب غلام هاشمی علوی

از خود تعبیر به غلام کرده، با این که وی از امام سجّاد<sup>علیه السلام</sup> - که با فرزندش امام باقر<sup>علیه السلام</sup> در روز عاشورا حضور داشت - بزرگ‌تر بود. حداقل هیجده ساله بود و برخی او را ۲۵ ساله نیز ذکر کرده‌اند.<sup>۷۸</sup>

ز. در همین متنی که دستاویز استشهاد قرار گرفته، در این که فضل پس از شهادت امام رضا<sup>علیه السلام</sup> متولد شده، قرینه‌ای وجود دارد که آن رویکرد را دستخوش خدشه می‌سازد. در بخش پایانی آن ابن شاذان اشاره می‌کند، من در کوفه بودم که داماد طاهر بن حسین پس از حج به کوفه آمد، و از رهگذر این که فضایل و کمالات ابن فضال را شنیده بود، نماینده‌ای پیش وی فرستاد و خواهان دیدار گردید. وی با وجود تشویق دیگران ملاقات را نپذیرفت و اظهار داشت: «ما لی لطاهر و ال طاهر؛ من با طاهر و خاندان طاهر کاری ندارم». به احتمال قوی با توجه به جمله ما لی لطاهر...، تقاضای دیدار از طرف داماد طاهر در زمان حیات آن سردار رخ داده، و گر نه سخن از وی بی‌مورد است. طاهر در سال ۲۰۵ به دلایلی از بغداد به منطقه مرو اعزام شد و در سال ۲۰۷ به مرگ طبیعی و یا بنا بر یک نظریه تأیید نشده با دسیسه مأمون

۷۷. رجال النجاشی، ش ۱۸۰.

۷۸. الهوف فی فتنی الطفول، ص ۶۷؛ منتهی الامال، ص ۳۵۲.

از پای در آمد. ابن شاذان متولد شده پس از سال ۲۰۳، چگونه شاهد جریان فوق بوده است؟ آیا وی در آن برهه در موقعیت علمی و اجتماعی قرار نداشته است.

ح. از عبارت «فعلمت بعد هذا آن مجیبه الی بیته کان لدینه» - که از سوی ابن شاذان گزارش شده - استظهار می‌شود که عدم پذیرش داماد طاهر سالیانی پس از تلقی و دریافت حدیث وی از ابن فضال رخ داده است. از رهگذر این که فضل اشاره می‌کند، کمال فروتنی ابن فضال در این نکته بود که وی به سکونت‌گاه من برای آموختن روایات می‌آمد، اما پس از آن از پذیرش داماد طاهر - که برخوردار از قدرت، جلال و مال بود - خودداری کرد.

### تعدد طرق مشایخ عظام: صدوق، مفید، طوسی و نجاشی به حدیث العلل

ما در این فراز در صدد شناخت طرق و سند شخصیت‌های بزرگ شیعه، صدوق (م ۳۸۱ ق)، مفید (م ۳۱۳ ق)، طوسی (م ۳۶۰ ق) و نجاشی (م ۲۵۰ ق) به کتب، روایات و از جمله حدیث العلل ابن شاذان هستیم. شخصیت‌های فوق الذکر از مرتفع‌ترین چکادهای دانش و معرفت‌اند و ذخایر علمی و روایی تشیع و امدار تلاش‌های آن ستارگان بی‌بدیل است.

### الف. طرق چهارگانه شیخ صدوق

شیخ صدوق حداقل برخوردار از چهار سلسله سند در ارتباط با روایات و تألیفات ابن شاذان است که از آن جمله احادیث علل الشرایع و الاحکام و ما کتبه الرضا علیه السلام للمؤمن فی محض الاسلام است. وی در باره آن دو روایت - که هر یک کتابی تلقی می‌گردند - در کتاب‌های *علل الشرایع و عیون اخبار الرضا علیه السلام* دو طریق: عبدالواحد بن محمد بن عبدوس ← علی بن محمد بن قتیبه ← فضل بن شاذان ← امام رضا علیه السلام و ابوجعفر محمد بن نعیم بن شاذان ← ابو عبدالله محمد بن شاذان ← فضل بن شاذان ← امام رضا علیه السلام را بر شمرده است.<sup>۷۹</sup> وی در *المسیخه* تنها به ذکر طریق اول بسنده نموده است.<sup>۸۰</sup> طوسی دو طریق: ابن ولید ← احمد بن ادریس ← علی بن محمد بن قتیبه و حمزه بن محمد علوی ← قنبر بن علی بن شاذان ← علی بن شاذان - که متفاوت از دو طریق فوق الذکر است - برای شیخ صدوق و خود به تمامی تألیفات و روایات ابن شاذان از جمله حدیث العلل بر شمرده است.<sup>۸۱</sup>

### ب. طرق شیخ مفید و طوسی

شیخ طوسی بنا بر پژوهش و تلقی و فهم نگارنده، برخوردار از ۲۵ طریق و هشت سلسله‌سندی، چنان که برخی از اساتید اظهار کرده‌اند<sup>۸۲</sup>، به تألیفات و روایات فضل است که به دو طریق آن در *المهرست* اشاره نموده است. وی پس از آن که ۳۳ عنوان از تصنیفات فضل، از جمله العلل، اثبات الرجعه و الدیباچ - که

۷۹. *عیون اخبار الرضا علیه السلام* ج ۲، باب ۳۳، ص ۱۰۶ و باب ۲۵، ص ۱۲۹؛ *علل الشرایع*، ج ۱، باب ۱۸۲، ص ۲۵۱.

۸۰. *من لایحضره الفقیه*، ج ۴، ص ۳۵۷.

۸۱. *مهرست کتب الشیعه و اصولهم*، ش ۵۶۴.

۸۲. *اصول علم الرجال بین النظریه و التطبيق*، ص ۶۰۳.

بنا به قولی همان الايضاح است - نام می برد و می نویسد:

اخبرنا بروايه و كتبه، ابو عبدالله عن محمد بن علي بن الحسين عن محمد بن الحسن، عن احمد بن ادریس، عن علي بن محمد بن قتيبه، عن الفضل. و رواها محمد بن علي بن الحسين، عن حمزه بن محمد العلوي، عن ابي نصر قنبر بن علي بن شاذان، عن ابيه، عن الفضل؛ به روايات و تأليفات ابن شاذان از جمله العلل وی از دو طريق: ۱. مفيد - صدوق - ابن وليد - احمد بن ادریس - علی بن محمد بن قتيبه. ۲. مفيد - صدوق - حمزه بن محمد علوی - قنبر بن علی بن شاذان - علی بن شاذان دست یافته ام<sup>۸۳</sup>. و چون شيخ مفيد در سلسله سند طوسی وجود دارد، از این رهگذر وی هم به العلل فضل و ساير روايات و كتب وی سند دارد.

به بیست و سه سلسله آن، گر چه بسیاری از افراد در آن تکرار شده، در المشيخة و سند الكتاب پرداخته است. وی در بخشی از کتاب المشيخة و سند الكتاب نگاشته است:

فما ذكرته عن محمد بن يعقوب الكليني، فقد اخبرنا به الشيخ المفيد ابو عبدالله محمد بن محمد بن النعمان الحارثي البغدادي، عن ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه، عن محمد بن يعقوب و اخبرنا به ايضاً الحسين بن عبيدالله، عن ابي غالب احمد بن محمد الزراري، و ابي محمد هارون بن موسى التلمكبري، و ابي القاسم جعفر بن محمد بن قولويه و ابي عبدالله احمد بن ابي رافع الصيمري، و ابي الفضل الشيباني، و غيرهم كلهم عن محمد بن يعقوب و اخبرنا به ايضاً احمد بن عبدون المعروف بابن الحاشر رحمه الله عليه، عن احمد بن ابي رافع و ابي الحسين عبدالكريم بن عبدالله بن نصر البرزاز بتنيس و بغداد، عن ابي جعفر محمد بن يعقوب الكليني جميع مصنفاة و احاديثه سهاهاً و اجازةً ببغداد بباب الكوفة درب السلسله سنة سبع و عشرين و ثلاثمئة<sup>۸۴</sup>.

طوسی در عبارت فوق اشاره می کند که به کلینی دارای هشت طریق است. وی در ادامه می نویسد:

ما ذكرته عن الفضل بن شاذان ما روته بهذا الاسناد، عن محمد بن يعقوب، عن علي بن ابراهيم، عن ابيه، و محمد بن اسماعيل عن الفضل بن شاذان<sup>۸۵</sup>.

اخبار نقل شده از فضل در التهديب و الاستبصار از طريق کلینی با دو واسطه محمد بن اسماعیل و یا علی بن ابراهیم، از ابراهیم بن هاشم به دست آمده است. از ضرب هشت در دو، شانزده صورت از دو عبارت فوق حاصل می گردد.

طوسی در بخشی دیگر از المشيخة و سند الكتاب با عبارت:

۸۳. فهرست كتب الشيعة و اصولهم، ص ۳۶۳، ش ۵۶۴.

۸۴. تهذيب الأحكام، ج ۱۰ ص ۱۵؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۰۵.

۸۵. تهذيب الأحكام، ج ۱۰ ص ۳۷؛ الاستبصار، ج ۳، ص ۳۱۵.

وما ذکرته عن الفضل بن شاذان، فقد اخبرنی به الشیخ ابو عبدالله والحسین ابن عبدالله و احمد بن عبدون، کلهم، عن ابی محمد الحسن بن حمزه العلوی الحسینی الطبری، عن علی بن محمد بن قتیبه النیسابوری، عن الفضل بن شاذان و روی ابو محمد الحسن بن حمزه، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن الفضل ابن شاذان و اخبرنا الشریف ابو محمد الحسن بن احمد بن القاسم العلوی المحمّدی، عن ابی عبدالله محمد بن احمد الصفوانی، عن علی بن ابراهیم، عن ابیه، عن الفضل بن شاذان،  
به هفت طریق دیگر به ابن شاذان اشاره نموده است.<sup>۸۶</sup>

### ج . طریق نجاشی

نجاشی پس از آن که به ۴۸ عنوان از تصنیفات فضل از جمله العلل وی اشاره می کند، می نویسد:

اخبرنا ابوالعبّاس بن نوح قال: حدّثنا احمد بن جعفر قال: حدّثنا احمد بن ادریس بن احمد، قال: حدّثنا علی بن احمد [محمد] بن قتیبه النیشابوری عنه؛  
طریق به روایات و کتب ابن شاذان از جمله کتاب العلل وی، ابو القیاس بن نوح ← احمد بن جعفر بن سفیان ← احمد بن ادریس قتی ← علی بن احمد (محمد) بن قتیبه است.<sup>۸۷</sup>

بررسی افراد واقع در این طرق سی گانه صدوق، مفید، طوسی و نجاشی با رویکرد رجالی از ظرفیت این مقاله بیرون است و نمی توان تمامیت اسناد و طرق را از استواری بر خوردار ندانست، که بسیاری دارای ویژگی صحت هستند و حدّ اقل بهره مندی یکی از آنها هم از اعتبار لازم که سند به العلل داشته باشد، برای اثبات مقصد، کافی تلقی می گردد.

### استواری و صحت سند حدیث العلل در منظر فقیهان

فقههای معاصر - که پایبند به اعمال قواعد رجالی اند - در باره حدیث العلل و نامه امام رضا علیه السلام مأمون که هر دو از وحدت سندی هماهنگ برخوردارند، تعبیرات توصیفی متفاوت و در عین حال بسی والا ارائه داده اند که تعبیرات آنان، تردیدی باقی نمی گذارد که سلسله سند از وثاقت و صحت برخوردار است که نتیجه طبیعی و مستقیم آن اثبات صحابی امام رضا علیه السلام بودن ابن شاذان است.

الف . برخی از فقها همانند: آل عصفور، محمد حسن نجفی، آقا رضا همدانی، سید احمد خوانساری، سید روح الله خمینی، سید محمد صادق روحانی، تعبیر به صحیحه فضل بن شاذان نموده اند.<sup>۸۸</sup> خبر صحیح به خبری اطلاق می شود که سلسله سندش توسط رجال موثق امامی مذهب، به معصوم متصل گردد.

۸۶. تهذیب الأحکام، ج ۱۰ ص ۸۶؛ الإستیعصار، ج ۲، ص ۳۳۱.

۸۷. رجال النجاشی، ص ۳۰۶، ش ۸۲۰.

۸۸. تمة الحدائق الناضرة، ج ۲، ص ۱۲۳؛ جواهر الكلام، ج ۱۷، ص ۳۲-۳۳؛ مصباح الفقیه، ج ۲ (قسمت ۲)، ص ۵۹۹؛ جامع المدارک، ج ۱، ص ۴۵۹؛ مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۲۳۵-۲۳۶؛ لقه الصادق، ج ۶ ص ۶۰ و ج ۸ ص ۲۸۱-۲۸۷.



ب. در برخی از مواضع فقها و الامام صاحب جواهر و شیخ انصاری ... اظهار کرده‌اند که سند العلل و نامه امام به مامون «لا یقصر عن الصحیح؛ در حد صحیح» تلقی می‌گردند.<sup>۸۹</sup>

ج. پاره‌ای از فقها مانند امام سید روح الله خمینی گاه از آن به «حسن بل صحیح؛ حدیث حسن و بلکه صحیح» تعبیر نموده‌اند.<sup>۹۰</sup>

د. برخوردار بودن از سند قوی گفته برخی از متخصصان همانند میرزای قمی است.<sup>۹۱</sup> و آن به خبری اطلاق می‌گردد که تمامی افراد موجود در سند امامی مذهب باشند.

ه. سند معتبر داشتن نیز گفته برخی از فقها مانند: محقق بحرانی، صاحب جواهر، خوانساری و روحانی است.<sup>۹۲</sup> و خبر معتبر حدیثی است که به مضمون آن همگی یا اکثریت عمل کرده و یا دلیلی بر اعتبارش موجود باشد.

و. فقیهان نامبرداری چون شیخ مرتضی انصاری و آقا رضا همدانی ... در برخی از موارد تعبیر به «حسن کالصحیح» کرده‌اند.<sup>۹۳</sup> و آن به روایتی اطلاق می‌گردد که راویان آن در حد وثاقت یا از اصحاب اجماع باشند.

ز. فقه شناسان نامداری همانند: مرتضی انصاری، محمد حسن نجفی، آقا رضا همدانی، سید محسن حکیم و امام سید روح الله خمینی، گاهی تعبیر به حسن ابن شاذان نموده‌اند.<sup>۹۴</sup> و آن به خبری اطلاق می‌گردد که تمامی سلسله سند امامی مذهب و ممدوح باشند، گر چه تصریح بر وثاقت هر یک نشده باشد.

در بین عالمان و محققان صاحب نام فقیه رجالی سید ابو القاسم خویی با این که ابن شاذان را از صحابیان امام رضا علیه السلام محسوب کرده<sup>۹۵</sup> و به روایت العلل به فزونی استدلال نموده<sup>۹۶</sup>، با توجه به مبنای ویژه خویش، از رهگذر وجود علی بن محمد بن قتیبه در سلسله آن حدیث - که از طرف رجال شناسان توثیق خاصی ندارد - آن را ضعیف السند قلمداد نموده است.<sup>۹۷</sup> بسیاری دیدگاه ایشان را در تکیه بر عامل توثیق رجال شناسان و نادیده انگاشتن سایر اسباب، بر نمی‌تابند.<sup>۹۸</sup> بی تردید، ابن قتیبه از متکلمان و راویان

۸۹. جواهر الکلام، ج ۱۰ ص ۲۸۵ / مکاسب، ج ۲، ص ۱۱.

۹۰. مکاسب المحرمه، ج ۲، ص ۵۵.

۹۱. فتاوی الایام، ج ۵، ص ۳۹۸.

۹۲. الحدائق الناضرة، ج ۲، ص ۱۰۰ و ج ۱۱، ص ۲۹۹؛ جواهر الکلام، ج ۱۰، ص ۲۸۵ - ۳۰۲ - ۳۱۳. جامع المدارک، ج ۱، ص ۱۵۷۵ / فقه الصادق، ج ۶، ص ۱۱۲.

۹۳. الطهارة، ج ۱، ص ۳۲۰؛ ج ۲، ص ۳۲۲ - ۱۵۹۱ / الصلاة، ج ۱، ص ۳۸۰ - ۳۱۷؛ ج ۲، ص ۸۶ - ۱۷۱؛ رسائل فقهیه، ص ۴۹؛ مصباح الفقهیه، ج ۲ (ق ۱)، ص ۳۷۴.

۹۴. الصوم، ج ۲، ص ۱۵۹۱ / جواهر الکلام، ج ۱۴، ص ۱۹۶؛ مصباح الفقهیه، ج ۲ (ق ۲)، ص ۴۸۰؛ مستمسک العروة الوثقی، ج ۳، ص ۳۵۳؛ مکاسب المحرمه، ج ۱، ص ۲۳۵ - ۲۳۶؛ کتاب الطهارة، ج ۲، ص ۶۷، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۲.

۹۵. معجم رجال الحدیث، ج ۱۴، ص ۳۰۹.

۹۶. الطهارة، ج ۱، ص ۳۲۱؛ ج ۳، ص ۳۸۶؛ ج ۷، ص ۲۹۶ - ۳۲۲؛ ج ۸، ص ۳۳۱؛ ج ۹، ص ۱۱۴؛ الصلاة، ج ۱، ص ۴۶، ۶۹، ۷۰، ۸۲، ۳۰۵؛ ج ۲، ص ۱۷۸، ۳۱۴، ۳۹۹، ۴۱۶، ۴۵۳؛ ج ۴، ص ۳۱۷، ۳۱۸، ۴۲۵؛ ج ۵، ص ۸، ۱۱، ۱۴، ۸۵؛ ج ۷، ص ۳۲۲، ۳۳۳، ۳۳۱؛ الصوم، ج ۲، ص ۱۸ و ۲۵۱ / الضحی، ج ۱، ص ۱۵ - ۱۸؛ مصباح الفقاهه، ج ۱، ص ۳۸۵؛ ج ۲، ص ۵۱.

۹۷. الطهارة، ج ۲، ص ۴۸۷؛ الصلاة، ج ۲، ص ۴۰۰؛ ج ۳، ص ۱۷۲، ۱۷۷، ۱۷۸، ۳۱۴، ۴۱۶؛ ج ۷، ص ۳۲۳، الصوم، ج ۲، ص ۱۸۹، ۱۹۹، ۲۵۳.

۹۸. کتاب الطهارة، ج ۱، ص ۱۴۷.

والامقام شیعه و دانشمندی با همت به شمار می‌آید که نشر افکار و روایات فضل مدیون تلاش‌های وی نیز بوده است. علامه حلّی وی را در بخش ثقات کتاب رجالی‌ش به نگارش آورده، وافزون بر این، دو روایتی را که وی از فضل درارتباط با یونس بن عبدالرحمن ذکر نموده، صحیح‌السند دانسته است.<sup>۹۱</sup>

### نتیجه

نویسنده بر این باور است با لحاظ کردن امور هشتگانه‌ای که به ایجاز گذشت، قلمداد کردن تولد فضل به تاریخ پس از حیات امام رضا علیه السلام و از آن رهگذر فاقد اعتبار وانمود کردن روایات وی را از آن حضرت و بلکه صدها خبرش را از سایر مشایخش، نوعی کج‌یابی و شاید کج‌تابی، باید تلقی کرد.

### کتابنامه

- **الاختصاص**، محمد بن محمد بن نعمان (شیخ مفید)، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات جامعه مدرسین، بی تا.
- **اختیار معرفة الرجال (رجال الکافی)**، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تحقیق: مهدی رجایی، قم: مؤسسه آل‌البتیت، ۱۴۰۴ق.
- **الاستبصار فی ما اختلف من الاخبار**، محمد بن حسن طوسی، (شیخ طوسی) تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۹۰ق.
- **اصول علم الرجال بین النظرية والتطبيق**، مسلم داوری، قم: ناشر المؤلف، چاپ اول، ۱۴۱۶ق.
- **بهار الانوار**، محمد باقر مجلسی، تحقیق: محمد باقر البهبودی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ق.
- **تاریخ بغداد**، احمد بن علی الخطیب البغدادی، تحقیق: مصطفی عبدالقادر عطاء، بیروت: دارالکتب العلمیه، چاپ اول، ۱۴۱۷ق.
- **تاریخ حکومت طاهریان از آغاز تا انجام**، امیر اکبری، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴ش.
- **تاریخ نیشابور**، ابو عبدالله حاکم نیشابوری، تصحیح: محمد رضا شفیعی کدکنی، نشر آگه، چاپ اول، ۱۳۷۵ش.
- **تأویل الآیات الظاهرة**، سید شرف‌الدین حسینی استرآبادی، قم: انتشارات جامعه مدرسین، ۱۴۰۹ق.
- **تتمة الحدائق الناضرة**، حسین آل‌عصفور، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ق.
- **تقریب التهذیب**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دار الکتب العلمیه، ۱۴۱۵ق / ۱۹۹۹م.
- **تنقیح المقال**، عبدالله مامقانی، نجف اشرف: منشورات المكتبة المرتضویة، چاپ سنگی، ۱۳۵۰ق.
- **التوہید**، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ سوم، ۱۳۹۸ق.
- **تهذیب الاحکام**، محمد بن حسن طوسی (شیخ طوسی)، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۴ش.
- **تهذیب التهذیب**، احمد بن علی بن حجر عسقلانی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ق، ۱۹۹۱م.

- جامع الرواة وازاحة الاستباهات، محمد بن علی اردبیلی، بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.
- الجامع فی الرجال، موسی زنجانی، قم: نسخه خطی، چاپخانه پیروز، بی تا.
- جامع المدارک، سید احمد خوانساری، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران: کتابخانه صدوق، ۱۴۰۵ق.
- الجرح والتعديل، عبدالرحمن بن ابی حاتم رازی، بیروت: دارالاحیاء التراث العربی، ۱۳۷۱ق / ۱۹۵۲م.
- جواهر الکلام، محمد حسن نجفی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵ش.
- حاوی الاقوال فی معرفة الرجال، عبدالنبی جزائری، قم: مؤسسة الهدایة و احیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
- الحقیق، سید ابوالقاسم خویی، قم: انتشارات لطفی، چاپ دوم، ۱۳۶۴ش.
- الحدائق الناضرة، یوسف بحرانی، نجف اشرف: منشورات المطبعة النجف، ۱۳۷۶ق.
- الخرائج والجرایح، قطب الدین راوندی، قم: مؤسسة الامام المهدي، چاپ اول، ۱۴۰۹ق.
- الخصال، محمد بن علی بن بابویه (شیخ صدوق)، قم: منشورات جامعة المدرسين، ۱۴۰۳ / ۱۳۶۲ش.
- خلاصه الاقوال، حسن بن یوسف (علامه حلی)، قم: مؤسسة نشر الفقاهة، چاپ دوم، ۱۴۲۲ق.
- درایة الحدیث، کاظم مدیر شانه چی، قم، انتشارات اسلامی، چاپ پانزده، ۱۳۷۹ش.
- الذریعة، آقا بزرگ تهرانی، تهران: کتابخانه اسلامی، ۱۴۰۸ق.
- راویان امام رضا علیه السلام در مسند الرضا علیه السلام، عزیزالله عطاردی، مشهد: کنگره جهانی امام رضا علیه السلام، ۱۳۶۷ش.
- رجال الطوسی، محمد بن حسن طوسی، (شیخ طوسی) قم: انتشارات اسلامی، ۱۴۱۵ق.
- رجال النجاشی، احمد بن علی نجاشی، قم: مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۷ق.
- رسائل الفقهیة، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثموية الثانية لميلاد الشيخ انصاری، ۱۴۱۴ق.
- سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبی دمشقی، بیروت: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ق / ۱۹۹۳م.
- الصلاة، سید ابوالقاسم خویی، قم: دارالهادی للمطبوعات، چاپ سوم، ۱۴۱۰ق.
- الصلاة، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثموية الثانية لميلاد الشيخ انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۵ق.
- الصوم، مرتضی انصاری، قم: المؤتمر العالمی بمناسبة الذکری الثموية الثانية لميلاد الشيخ انصاری، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.
- طبقات الرجال، احمد بن محمد بن خالد برقی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۳ق.
- الطهارة، سید ابوالقاسم خویی، قم: مؤسسة آل البيت، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.